

چالش‌های نظارتی در بازارهای سرمایه: بررسی نقش نظارتی اندازه مؤسسه حسابداری و تداوم دوره تصدی حسابداری در مهار مدیریت سود و ارتقای کیفیت گزارشگری مالی

مصطفی خادم الحسینی

گروه حسابداری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

mostafakhademalhosseini@iau.ac.ir

علی باغانی

گروه حسابداری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

A_baghani@iau.ac.ir

عسگر عسگری

گروه حسابداری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

4929304301@iau.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۴/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۵/۲۰

چکیده

ارتقای کیفیت گزارشگری مالی و مهار مدیریت سود، از دغدغه‌های اصلی ذینفعان و نهادهای ناظر در بازارهای سرمایه است. پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش ویژگی‌های حسابداری بر رفتارهای گزارشگری مالی، به تحلیل تأثیر «نوع مؤسسه حسابداری» و «تداوم تصدی حسابداری» بر مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۷-۱۴۰۳ می‌پردازد. نمونه‌ی آماری بر اساس معیارهای غربالگری شده تعداد ۱۶۲ شرکت می‌باشد. این پژوهش بر اساس ماهیت و اهداف پژوهش از نوع پژوهشهای کاربردی می‌باشد. داده‌های مربوط به متغیرهای پژوهش بعد از گردآوری در نرم افزار اکسل با استفاده از نرم افزار آماری ایویوز نسخه ۱۰ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. سپس برای آزمون کردن فرضیه‌ها از رگرسیون خطی آزمون فرضیه‌ها استفاده شده است. روش پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت، توصیفی-همبستگی است. داده‌های مورد نیاز از صورت‌های مالی شرکت‌ها جمع‌آوری و با استفاده از روش رگرسیون چندمتغیره مورد آزمون قرار گرفت. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که میان «نوع مؤسسه حسابداری» و «تداوم تصدی حسابداری» با سطح مدیریت سود، رابطه‌ای معنادار و مثبت وجود دارد؛ به گونه‌ای که بر خلاف انتظارات اولیه، مؤسسات حسابداری در نمونه مورد بررسی نتوانسته‌اند نقش بازدارندگی مؤثری در کاهش مدیریت سود ایفا کنند. همچنین، طولانی شدن دوره تصدی حسابداری، با تکیه بر تبیین نظری «تهدید آشنایی»، با افزایش مدیریت سود همراه است که مؤید کاهش تردید حرفه‌ای و تقلیل در سخت‌گیری‌های نظارتی در روابط طولانی‌مدت حسابداری و صاحبکار است. در میان متغیرهای کنترلی، بازده دارایی‌ها به عنوان قوی‌ترین محرک مدیریت سود شناخته شد، در حالی که اهرم مالی، اندازه شرکت و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری تأثیر معناداری بر متغیر وابسته نداشتند. در نهایت، نتایج این پژوهش حاکی از ضرورت بازنگری سیاست‌گذاران و نهادهای ناظر در سازوکارهای کنترلی و استانداردهای حسابداری است؛ چرا که کیفیت گزارشگری مالی نه صرفاً تابع معیارهای ظاهری (همچون نوع مؤسسه)، بلکه متأثر از پویایی روابط میان حسابداری و صاحبکار و انگیزه‌های عملکردی مدیران است.

واژه‌های کلیدی: سود، مدیریت سود، نوع مؤسسه حسابداری، تداوم تصدی حسابداری.

۱- مقدمه

کیفیت گزارشگری مالی به عنوان شاخص کلیدی در کارایی تخصیصی بازار سرمایه، همواره در کانون توجه سیاست‌گذاران و نهادهای ناظر قرار داشته است. در این میان، مدیریت سود به عنوان یکی از چالش‌های اصلی، نه تنها شفافیت اطلاعاتی را مخدوش می‌سازد، بلکه هزینه‌های نمایندگی را برای ذینفعان افزایش می‌دهد. حسابرِس مستقل به عنوان رکن اساسی در حاکمیت شرکتی، وظیفه کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و نظارت بر رویه‌های حسابداری مدیران را بر عهده دارد. با این حال، شواهد اخیر در بازارهای سرمایه حاکی از آن است که سازوکارهای نظارتی، برخلاف تصورات کلاسیک، همواره اثر کاهنده بر رفتارهای فرصت‌طلبانه ندارند. (هلی و واهلن^۱ ۲۰۲۳).

مباحث آکادمیک پیرامون نقش «اندازه مؤسسه حسابرسی» و «تداوم دوره تصدی»، بر این فرضیه استوار بوده‌اند که مؤسسات حسابرسی بزرگ و با تجربه، به دلیل برخورداری از تخصص و حفظ شهرت، انگیزه و توان بیشتری برای محدود کردن مدیریت سود دارند. با این وجود، مطالعات جدیدتر با اتخاذ رویکردهای رفتاری، «تهدید آشنایی» (Familiarity Threat) ناشی از استمرار رابطه حسابرِس و صاحبکار را مطرح می‌کنند. این دیدگاه استدلال می‌کند که تداوم طولانی مدت تصدی حسابرِس، ممکن است منجر به کاهش تردید حرفه‌ای و وابستگی اقتصادی شود که در نهایت استقلال ذهنی حسابرِس را در قبال مدیریت شرکت تضعیف می‌نماید (فرانسیس^۲ ۲۰۲۴).

در بستر بازار سرمایه ایران، به عنوان یک بازار نوظهور با ویژگی‌های خاص حاکمیت شرکتی، این موضوع از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با توجه به تغییرات ساختاری در سال‌های اخیر و با بررسی داده‌های شرکت‌های بورسی طی سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۳، مشاهده می‌شود که مکانیسم‌های سنتی نظارت، عملکردی متناقض با پیش‌بینی‌های نظری نشان داده‌اند. یافته‌های تجربی این پژوهش بیانگر آن است که در شرایط کنونی بازار ایران، برخی از ابزارهای نظارتی نه تنها مدیریت سود را مهار نکرده‌اند، بلکه با متغیرهای خاصی از گزارشگری مالی همبستگی مثبت نشان داده‌اند؛ موضوعی که ضرورت بازنگری در الگوی‌های نظارتی فعلی را بیش از پیش نمایان می‌سازد (وانگ و ژانگ^۳ ۲۰۲۴).

کیفیت گزارشگری مالی به عنوان سنگ‌بنای بازارهای سرمایه کارا، نقشی حیاتی در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و تخصیص بهینه منابع ایفا می‌کند. با این حال، مدیریت سود

همواره به عنوان یکی از چالش‌های اساسی در بازارهای نوظهور، اعتماد سرمایه‌گذاران را با مخاطره مواجه کرده است. اهمیت این پژوهش در آن است که با تمرکز بر دو متغیر کلیدی ساختاری یعنی «اندازه مؤسسه حسابرسی» و «تداوم دوره تصدی حسابرِس»، اثربخشی سازوکارهای نظارتی فعلی را در بورس اوراق بهادار تهران به چالش می‌کشد. در محیطی که شرکت‌ها با پیچیدگی‌های عملیاتی و فشارهای اقتصادی مواجه‌اند، ضرورت دارد مشخص شود که آیا نظارت‌های سنتی و معیارهای اسمی حسابرسان، توان مهار رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران را دارند یا خیر. علاوه بر این، در شرایطی که سودهای گزارش‌شده برای طیف وسیعی از ذینفعان به عنوان مبنای تصمیم‌گیری‌های کلان و خرد عمل می‌کند، شناسایی عوامل تقویت‌کننده یا تضعیف‌کننده کیفیت حسابرسی از اهمیت بالایی برخوردار است. این پژوهش با واکاوی رابطه میان ویژگی‌های حسابرِس و مدیریت سود در بازه زمانی اخیر (۱۳۹۷ تا ۱۴۰۳)، نه تنها به شکاف دانشی موجود در ادبیات حسابرسی ایران پاسخ می‌دهد، بلکه برای نهادهای ناظر نظیر سازمان بورس و اوراق بهادار، این پیام را به همراه دارد که عبور از رویکردهای کمی و سنتی و حرکت به سمت نظارت بر استقلال عملکردی و پویایی‌های رابطه حسابرِس و صاحبکار، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

نوآوری‌های این پژوهش در چند سطح متمایز قابل تبیین است. نخستین نوآوری در «یافته‌محوری انتقادی» نهفته است؛ برخلاف مطالعات متعددی که پیش‌فرض‌های نظری سنتی مبنی بر رابطه معکوس کیفیت حسابرسی و مدیریت سود را تأیید کرده‌اند، این پژوهش با ارائه شواهد تجربی ضدشهودی نشان می‌دهد که در جامعه آماری مورد مطالعه، اندازه مؤسسه حسابرسی نه تنها نقشی در مهار مدیریت سود ایفا نکرده، بلکه با افزایش آن همراه بوده است. این یافته، کلیشه‌های موجود درباره برتری ذاتی مؤسسات بزرگ را در بستر بورس تهران به چالش می‌کشد. نوآوری دوم در به‌کارگیری چارچوب نظری «تهدید آشنایی» برای تبیین رابطه مثبت بین تداوم تصدی حسابرِس و مدیریت سود است. در حالی که بسیاری از پژوهش‌های داخلی بر مزایای «فرضیه یادگیری» تمرکز دارند، این مقاله با مدل‌سازی و اثبات اثرات سوء طولانی شدن رابطه حسابرِس و صاحبکار، لایه‌ای عمیق‌تر از تحلیل رفتاری را به ادبیات موضوع افزوده است. نوآوری سوم، شناسایی «بازده دارایی‌ها» به عنوان محرک اصلی مدیریت سود است که نشان می‌دهد در بازار سرمایه ایران، رفتارهای گزارشگری بیش از آنکه متأثر از ویژگی‌های اسمی

³ Wang, H., & Zhang, S¹ Healy, P. M., & Wahlen, J. M² Francis, J. R

حسابرس و صاحبکار، به شناخت عمیق‌تر از عملیات تجاری و ریسک‌های خاص واحد تجاری منجر شده و در نتیجه، قدرت کشف تحریف‌ها را ارتقا می‌دهد. اما در مقابل، فرضیه «تهدید آشنایی» هشدار می‌دهد که طولانی شدن بیش از حد دوره تصدی، می‌تواند به صمیمیت حرفه‌ای فراتر از چارچوب‌های نظارتی منجر شود. این نزدیکی، تردید حرفه‌ای حسابرس را تضعیف کرده و نوعی «تساهل ناخودآگاه» در برابر رویه‌های حسابداری مدیران ایجاد می‌کند که نه تنها مانع مدیریت سود نمی‌شود، بلکه می‌تواند فضای مساعدی برای انجام آن فراهم آورد.

در نهایت، کیفیت گزارشگری مالی نه صرفاً محصول قوانین آمرانه، بلکه برآیندی از پویایی‌های رفتاری در رابطه حسابرس-صاحبکار است. یافته‌های موجود تأکید دارند که عواملی مانند وضعیت عملیاتی شرکت (بازده دارایی‌ها) به عنوان محرک‌های اصلی انگیزه مدیریت سود عمل می‌کنند و در تقابل با مکانیسم‌های نظارتی قرار می‌گیرند. بنابراین، چالش اصلی نهادهای ناظر در بازارهای سرمایه، عبور از نگاه‌های صرفاً کمی به سمت تحلیل‌های کیفی است؛ به گونه‌ای که ضمن حفظ مزایای تداوم حسابرسی، راهکارهایی برای شناسایی و مدیریت مخاطرات ناشی از «تهدید آشنایی» و تقویت واقعی استقلال مؤسسات حسابرسی تدوین گردد تا در نهایت، گزارشگری مالی به ابزاری قابل‌اتکا برای تصمیم‌گیری ذینفعان تبدیل شود.

۳- مروری بر پیشینه پژوهش

رشیدی (۱۴۰۵) به مطالعه تحلیلی بر اثرگذاری تداوم تصدی حسابرس بر کیفیت حسابرسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخت. در سال‌های اخیر، نقش حسابرسی مستقل در ارتقای شفافیت اطلاعات مالی، کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، تقویت اعتماد سرمایه‌گذاران و بهبود کارایی بازارهای سرمایه بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. در محیط‌های اقتصادی مبتنی بر بازار سرمایه، صورت‌های مالی شرکت‌ها یکی از مهم‌ترین منابع تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان، تحلیل‌گران مالی و سایر ذی‌نفعان محسوب می‌شود. از این رو، کیفیت اطلاعات مالی ارائه شده توسط شرکت‌ها و میزان اتکالپذیری آن، ارتباطی مستقیم با کیفیت حسابرسی دارد؛ زیرا حسابرسی مستقل به عنوان یک سازوکار کنترلی بیرونی، وظیفه دارد اعتبار گزارشگری مالی را افزایش داده و از بروز تحریف‌های بااهمیت در صورت‌های مالی جلوگیری کند. در چنین شرایطی، هر عاملی که بتواند بر کیفیت حسابرسی اثر بگذارد، از منظر نظری و عملی حائز اهمیت فراوان است. یکی از موضوعات مهم و بحث‌برانگیز در حوزه حسابرسی،

حسابرس باشند، تحت تأثیر انگیزه‌های عملکردی و فشارهای ناشی از بازدهی دارایی‌ها قرار دارند. در نهایت، روزآمدی داده‌ها تا سال ۱۴۰۳ و انطباق مدل با تغییرات ساختاری و تورمی سال‌های اخیر بازار سرمایه ایران، به این پژوهش ارزش کاربردی و تحلیلی ویژه‌ای بخشیده است که آن را از مطالعات پیشین متمایز می‌سازد و به سیاست‌گذاران حاکمیت شرکتی، دیدگاهی نوین برای بازنگری در دستورالعمل‌های چرخش حسابرس ارائه می‌دهد.

از این رو پژوهش حاضر به دنبال یافتن پاسخی به این سؤال اصلی است که آیا ویژگی‌های ساختاری حسابرس (شامل اندازه مؤسسه و تداوم دوره تصدی) بر کیفیت گزارشگری مالی و مهار مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیرگذار است؟

۲- مبانی نظری

بازارهای سرمایه در جهان امروز، بر محور «اعتماد عمومی» و «شفافیت اطلاعاتی» بنا شده‌اند. در این میان، مسئله نمایندگی به عنوان یکی از چالش‌های بنیادین، همواره این دغدغه را ایجاد کرده است که مدیران با بهره‌گیری از عدم تقارن اطلاعاتی، ممکن است با مدیریت سود، ارقام گزارش‌شده را از واقعیت‌های اقتصادی فاصله دهند. در چنین فضایی، حسابرس مستقل به عنوان حلقه واسط میان مدیریت و ذینفعان، نقشی کلیدی در کاهش هزینه نمایندگی و ارتقای کیفیت گزارشگری مالی ایفا می‌کند. با این حال، اثربخشی این نقش نظارتی تحت تأثیر متغیرهای ساختاری از جمله ویژگی‌های مؤسسه حسابرسی و ماهیت رابطه حرفه‌ای بین حسابرس و صاحبکار قرار دارد.

نخستین مؤلفه در این حوزه، «اندازه مؤسسه حسابرسی» است. طبق نظریه شهرت، مؤسسات بزرگتر به دلیل دارا بودن سرمایه شهرتی قابل‌توجه، انگیزه‌های قوی‌تری برای حفظ استقلال و ارائه گزارش‌های باکیفیت دارند تا از آسیب احتمالی به اعتبار حرفه‌ای خود جلوگیری کنند. علاوه بر این، دسترسی این مؤسسات به منابع دانشی غنی، تخصص‌های صنعتی و استانداردهای کنترل کیفیت یکپارچه، آنان را در کشف رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیریت سود تواناتر می‌سازد. با این وجود، شواهد تجربی نشان می‌دهد که اندازه مؤسسه به تنهایی تضمین‌کننده خنثی‌سازی مدیریت سود نیست؛ چرا که پدیده وابستگی اقتصادی به صاحبکاران بزرگ می‌تواند چالش‌های نوینی در استقلال حرفه‌ای ایجاد کند.

دومین مؤلفه کلیدی، «تداوم دوره تصدی حسابرس» است که موضوعی بحث‌برانگیز در ادبیات حسابداری محسوب می‌شود. از یک سو، فرضیه یادگیری استدلال می‌کند که استمرار رابطه

مدیر ارشد مالی (CFO) در شرکت های بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که بین دوره تصدی حسابرسی با کیفیت حسابرسی ارتباط معناداری وجود دارد و همچنین بین کمیته حسابرسی تاثیر دوره تصدی حسابرسی بر کیفیت حسابرسی ارتباط معناداری وجود دارد.

خانی زاده (۱۴۰۱) در پژوهشی به بررسی ارتباط بین دوره تصدی حسابرسی و حق الزحمه خدمات غیرحسابرسی باکیفیت حسابرسی در شرکتها پرداخت. هدف اصلی این تحقیق «بررسی ارتباط بین دوره تصدی حسابرسی و حق الزحمه خدمات غیرحسابرسی باکیفیت حسابرسی در شرکتها طی سالهای ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۹ بود که در این راستا دوره تصدی حسابرسی و حق الزحمه خدمات غیرحسابرسی و کیفیت حسابرسی مورد بررسی قرار گرفته است. بر اساس روش نمونه گیری حذفی سیستماتیک تعداد ۹۷ شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به عنوان نمونه آماری انتخاب گردید. نتایج تحقیق نشان داد بین دوره تصدی حسابرسی باکیفیت حسابرسی در شرکتها ارتباط معنادار وجود دارد. بین حق الزحمه خدمات غیرحسابرسی باکیفیت حسابرسی در شرکتها ارتباط معنادار وجود دارد.

قلی پور و همکاران (۱۴۰۰) به مطالعه ارتباط کیفیت حسابرسی و مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج آزمون فرضیه ها نشان داد که رابطه معناداری بین دوره تصدی و تخصص حسابرسی با مدیریت سود وجود ندارد، در صورتیکه اگر از اندازه و استقلال حسابرسی به عنوان معیارهای کیفیت حسابرسی استفاده شود نتایج نشان داد که رابطه مثبت و معناداری بین اندازه و استقلال حسابرسی با مدیریت سود وجود دارد.

کالویلا و امپوندو^۲ (۲۰۲۶) به مطالعه کیفیت حسابرسی و مدیریت سود: شواهد تجربی در مورد نقش ویژگی های حسابرسی و نظارت نظارتی پرداختند. یافته ها نشان می دهد که نظارت نظارتی، اثربخشی کیفیت حسابرسی را در محدود کردن دستکاری سود تقویت می کند. این مطالعه با ادغام ویژگی های حسابرسی با زمینه نهادی، به ادبیات حسابرسی کمک می کند و پیامدهای مرتبط با سیاست را برای حسابرسان، تنظیم کنندگان مقررات و تدوین کنندگان استاندارد ارائه می دهد.

حازم و همکاران^۲ (۲۰۲۶) به مطالعه مدیریت سود و دوره تصدی اعضای هیئت مدیره، وابستگی ها و مدت زمان انتخاب مجدد: شواهدی از بریتانیا پرداختند. یافته های این مطالعه نشان می دهد که دوره تصدی طولانی تر اعضای هیئت مدیره به دلیل

تداوم تصدی حسابرسی یا مدت زمانی است که یک موسسه یا شریک حسابرسی به طور پیوسته مسئولیت حسابرسی یک واحد اقتصادی را بر عهده دارد. تداوم تصدی حسابرسی از یک سو می تواند موجب افزایش شناخت حسابرسی از ویژگی های عملیاتی، ساختار داخلی، ریسک های خاص و محیط فعالیت شرکت شود و در نتیجه، به بهبود برنامه ریزی حسابرسی، افزایش اثربخشی آزمون ها و ارتقای کیفیت قضاوت حرفه ای منجر گردد. حسابرسی که برای چندین سال متوالی مسئولیت حسابرسی یک شرکت را برعهده داشته باشد، به تدریج درک عمیق تری از فرآیندهای مالی، نقاط ضعف کنترل های داخلی و الگوهای رفتاری مدیریت پیدا می کند. این شناخت انباشته می تواند به کشف بهتر تحریف ها، کاهش خطاهای ارزیابی ریسک و افزایش دقت در شناسایی موارد مشکوک کمک کند. بنابراین، از این منظر، تداوم تصدی حسابرسی ممکن است به افزایش کیفیت حسابرسی منجر شود. هدف این پژوهش، تحلیلی بر اثرگذاری تداوم تصدی حسابرسی بر کیفیت حسابرسی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد. پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ نحوه جمع آوری داده ها از نوع توصیفی پیمایشی می باشد. بر اساس یک مدل مفهومی، فرضیه ای تدوین شده و به منظور آزمون فرضیه از تجزیه و تحلیل های آماری استفاده شد. بر اساس تحلیل داده ها، فرضیه آزمون شده و مورد تایید قرار گرفت. در نهایت پیشنهاداتی ارائه گردید.

حقدادی و همکاران (۱۴۰۳) به مطالعه رابطه بین دوره تصدی شریک مؤسسه حسابرسی و کیفیت حسابرسی: بررسی نقش تعدیلی تغییر مؤسسه حسابرسی پرداختند. یافته های پژوهش حاضر نشان داد که چرخش شریک مؤسسه حسابرسی، به افزایش افشای ضعف کنترل داخلی شرکت ها منجر شده است و افزایش دوره تصدی شریک مؤسسه حسابرسی، به کاهش تجدید ارائه صورت های مالی و افشای ضعف کنترل های داخلی انجامیده است.

وحیدی فر^۱ (۱۴۰۳) به مطالعه بررسی رابطه کیفیت حسابرسی با مدیریت سود در دوره رشد شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخت. نتایج تحقیق نشان دهنده رابطه معنادار و مثبت سابقه حسابرسی و دوره تصدی حسابرسی از ابعاد کیفیت سود، با مدیریت سود در دوره رشد شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد. مافی و خداینده (۱۴۰۳) به مطالعه بررسی رابطه بین دوره تصدی حسابرسی و کیفیت حسابرسی با در نظر گرفتن نقش

² Hazem Ramadan Ismael , Ahmed Hassan Ahmed , Mohammad Alhadab , Yasean A

¹ Kaluwila, M. and Mpundu, M

نمیراجا و همکاران^۱ (۲۰۲۱) به مطالعه دوره تصدی حسابرسی و کیفیت حسابرسی: بررسی عوامل تعدیل‌کننده قبل از شروع چرخش‌های اجباری در هند پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که مقررات محدودکننده دوره تصدی حسابرسی فقط برای سهامداران گروه محدودی از شرکت‌ها مفید خواهد بود. در حالی که برای اکثر شرکت‌ها، محدود کردن دوره تصدی حسابرسی در واقع ممکن است نتیجه معکوس داشته باشد.

شاه مرادی و طباطبائی نسب (۲۰۲۱) به مطالعه تأثیر کیفیت حسابرسی بر رابطه بین عدم قطعیت اقتصادی و مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که در شرایط عدم اطمینان اقتصادی، استفاده از موسسات حسابرسی بزرگ و افزایش دوره تصدی، مدیریت سود را کاهش می‌دهد. علاوه بر این، گزارش تعدیل‌شده حسابرسان، تأثیر مستقیم عدم اطمینان اقتصادی بر مدیریت سود شرکت‌ها را تقویت کرده است.

۴- فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول: نوع مؤسسه حسابرسی تأثیر منفی و معناداری بر مدیریت سود شرکت دارد؛ به گونه‌ای که شرکت‌های حسابرسی شده توسط مؤسسات حسابرسی با کیفیت بالاتر، سطح پایین‌تری از مدیریت سود را تجربه می‌کنند.

فرضیه دوم: تداوم حسابرسی تأثیر معناداری بر مدیریت سود شرکت دارد؛ به گونه‌ای که طول دوره تصدی حسابرسی می‌تواند از طریق افزایش شناخت حسابرسی از فعالیت‌ها و سیستم گزارشگری مالی شرکت، سطح مدیریت سود را تحت تأثیر قرار دهد.

۵- روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر براساس روش مطالعات کتابخانه‌ای بوده و اطلاعات لازم جهت انجام پژوهش با استفاده از کتب، نشریات، مقالات و مجلات جمع‌آوری گردیده است. از آنجایی که موضوع پژوهش در ارتباط با شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد، لذا نمونه آماری نیز از این شرکت‌ها بوده و به گونه‌ای انتخاب شده است که از کلیه صنایع فعال در بورس، نمونه انتخاب شده و این نمونه قابلیت تعمیم نتایج حاصله از پژوهش بر کل جامعه آماری (شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران) را دارا باشد.

تضاد منافع بالقوه و آشنایی با مدیریت، با افزایش مدیریت سود صعودی مرتبط است. با این حال، اعضای هیئت مدیره‌ای که وابستگی بیشتری به شرکت‌های دیگر دارند، به دلیل تجربه متنوع ناشی از سمت‌هایشان در سایر شرکت‌ها و تمایلشان به حفظ اعتبار خود، تمایل به کاهش مدیریت سود صعودی دارند. دوره انتخاب مجدد نیز نقش دارد؛ اعضای که پس از سه سال برای انتخاب مجدد نامزد می‌شوند، نسبت به اعضای که سالانه انتخاب مجدد می‌شوند، احتمال بیشتری دارد که مدیریت سود صعودی را کاهش دهند. اعضای که دوره انتخاب مجدد طولانی‌تری دارند، ممکن است درک عمیق‌تری از شرکت و امنیت و ثبات شغلی بیشتری برای تمرکز بر استراتژی‌های بلندمدت و یکپارچگی گزارشگری مالی داشته باشند.

میراجا و همکاران (۲۰۲۴) به مطالعه نظارت مدیران وابسته به بانک، مدیریت سود و کیفیت گزارشگری مالی در بازارهای نوظهور؛ شواهدی از هند پرداختند. شواهد نشان می‌دهد که مدیران وابسته به بانک نقش فعالی در حاکمیت شرکتی و کاهش مدیریت سود و همچنین بهبود کیفیت گزارشگری مالی در هند در طول دوره مطالعه داشته‌اند. به طور خاص، در تجزیه و تحلیل‌های مقطعی، قبل و بعد، تطبیق عملکرد و تطبیق امتیاز تمایل، ارقام تعهدی اختیاری کمتری را در بین شرکت‌های دارای BDB مشاهده می‌کنیم - که نشان‌دهنده کیفیت گزارشگری بالاتر و مدیریت سود کمتر است. این یافته پس از کنترل درون‌زایی و زمانی که معیارهای محافظه‌کاری حسابداری یا پایداری سود به عنوان معیارهای اضافی کیفیت گزارشگری استفاده می‌شوند، صادق است. علاوه بر این، اثر کاهشی BDBها بر ارقام تعهدی اختیاری برای شرکت‌هایی که در معرض عدم تقارن اطلاعاتی بیشتر و مستعد مشکلات نمایندگی هستند، بارزتر است. علاوه بر این، شرکت‌هایی که BDBها در هیئت مدیره دارند، ROAهای بی‌ثبات‌تر و ریسک ویژه کمتری دارند، که با BDBهایی که وام‌گیرندگان را به دنبال کردن سرمایه‌گذاری‌های کم‌ریسک‌تر برای محافظت از منافع طلبکاران تشویق می‌کنند، سازگار است. به عنوان اولین بررسی تأثیر نظارت بر BDBها بر کیفیت گزارشگری مالی - و به ویژه مدیریت سود - در یک بازار نوظهور، نتایج بینش‌های منحصر به فردی را برای سیاست‌گذاران و طلبکارانی که به دنبال افزایش کیفیت حاکمیت شرکتی و گزارشگری شرکت‌ها در محیط‌های تجاری در حال تحول هستند، ارائه می‌دهد.

¹ Nemiraja Jadiyappa, L. Emily Hickman, Ram Kumar Kakani, Qambar Abidi

۶- مدل پژوهش

مدل فرضیه اول

$$DA_{it} = \beta_0 + \beta_1 Auditor_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 LEVERAGE_{it} + \beta_4 ROA_{it} + \beta_5 MB_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل فرضیه دوم

$$DA_{it} = \beta_0 + \beta_1 Auditor\ seniority_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 LEVERAGE_{it} + \beta_4 ROA_{it} + \beta_5 MB_{it} + \varepsilon_{it}$$

در این پژوهش برای جمع آوری داده‌ها از نرم افزار ره آورد نوین استفاده شده است، جامعه آماری این پژوهش، کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار طی دوره زمانی ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۳ است، از میان این شرکتها، شرکت هایی که طی دوره پژوهش فعالیت مستمر داشته و وقفه معاملاتی بیشتر از شش ماه نداشته باشند در نظر گرفته شدند.

۷- یافته‌های پژوهش

جدول ۱- آمار توصیفی متغیرهای فرضیه‌های پژوهش

نام متغیر	میانگین	انحراف معیار	واریانس	ضریب چولگی	ضریب کشیدگی
نوع حسابرسی	۰.۳۲۵	۰.۴۷۰	۰.۲۲۰	۰.۷۴۰	-۱.۴۵
تداوم حسابرسی	۰.۰۹۵	۰.۲۹۶	۰.۰۸۸	۲.۷۴	۵.۵۷
مدیریت سود	۰.۰۰۳	۰.۲۵۴	۰.۰۶۵	۰.۵۹۰	۲.۸۰
اهرم مالی	۰.۰۹۲	۰.۱۱۵	۰.۰۱۲	۳.۳۵	۱۳.۵۸
اندازه شرکت	۲۰.۴۸	۱۱.۷۰	۱۳۸.۷۵	-۱.۱۲	-۰.۰۶۵
نسبت ارزش بازار به دفتری	۱.۳۳	۴.۲۰	۱۷.۷۴	-۹.۵۷	۱۱۱.۱۲
بازده دارایی ها	۷.۶۲۴	۱۳.۰۰	۱۶۸.۵۸	۰.۴۱۰	۲.۰۹۰

۷-۱- آزمون فرضیه‌های پژوهش

- نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول پژوهش

جدول ۲. نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول پژوهش

مدل	ضرایب	انحراف استاندارد	آماره t	سطح معنی داری
مقدار ثابت	-۰.۰۷	۰.۰۳	-۲.۸۳	۰.۰۱
نوع مؤسسه حسابرسی	۰.۰۴	۰.۰۳	۱.۲۶	۰.۰۴
اهرم مالی	۰.۰۷	۰.۰۸	۰.۸۵	۰.۳۷
اندازه شرکت	-۰.۰۷	۰.۰۱	-۰.۰۶	۰.۹۴
نسبت ارزش بازار به دفتری	-۰.۰۱	۰.۰۳	-۰.۷۲	۰.۴۲
بازده دارایی ها	۰.۰۲	۰.۰۲	۹.۱۵	۰.۰۰
ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	آزمون دوربین و اتسون	آماره F
۰.۴۱	۰.۱۶	۰.۱۵	۲.۰۴	۰.۰۰۰

شده است. از آنجا که سطح معناداری کمتر از آستانه ۰.۰۵ است، رابطه بین دو متغیر از نظر آماری معنادار است.

- **تفسیر جهت رابطه:** با وجود معنادار بودن رابطه، جهت ضریب (مثبت بودن) با جهت پیش‌بینی شده در فرضیه (منفی بودن) در تضاد است. این بدان معناست که در این نمونه آماری،

با استناد به نتایج جدول، فرضیه اول پژوهش که بیان می‌داشت «نوع مؤسسه حسابرسی تأثیر منفی و معناداری بر مدیریت سود دارد»، رد شد.

- **تحلیل آماری:** ضریب رگرسیون برای متغیر «نوع مؤسسه حسابرسی» برابر با ۰.۰۴ و سطح معناداری آن ۰.۰۴ گزارش

• ضریب تعیین (R^2): مقدار ۰.۱۶ نشان می‌دهد که مجموع متغیرهای مستقل در این مدل (نوع مؤسسه، اهرم مالی، اندازه، نسبت ارزش بازار و بازده دارایی‌ها)، ۱۶ درصد از تغییرات (واریانس) مدیریت سود را تبیین می‌کنند. هرچند این مقدار نسبتاً پایین است، اما در مطالعات علوم حسابداری و مدیریت با توجه به ماهیت پیچیده مدیریت سود، قابل قبول است.

• آزمون دوربین واتسون (Durbin-Watson): مقدار ۲.۰۴ نشان‌دهنده این است که مدل فاقد مشکل خودهمبستگی (Autocorrelation) مرتبه اول است (زیرا مقدار بسیار نزدیک به ۲ است)، که این یک نقطه قوت برای اعتبار نتایج مدل محسوب می‌شود.

• آماره F و ضریب تعیین تعدیل شده: آماره F با سطح معناداری ۰.۰۰۰۰ نشان می‌دهد که مدل به صورت کلی از نظر آماری معنادار است و متغیرهای مستقل در کنار هم، قدرت تبیین مدل را فراهم کرده‌اند.

«نتایج نشان داد که برخلاف انتظار، نوع مؤسسه حسابرسی با وجود داشتن اثر معنادار، نقش کاهنده در مدیریت سود ندارد. در مقابل، متغیر بازده دارایی‌ها به عنوان عامل اصلی و تعیین‌کننده در مدل ظاهر شد. همچنین، مدل با وجود داشتن ضریب تعیین ۱۶ درصدی، از نظر عدم وجود خودهمبستگی (بر اساس آزمون دوربین واتسون) و معناداری کلی (بر اساس آزمون F)، از اعتبار آماری لازم برای تحلیل روابط برخوردار است.»

با تغییر نوع مؤسسه حسابرسی، سطح مدیریت سود به جای کاهش، افزایش یافته است. این یافته نشان می‌دهد که در محیط مورد مطالعه، نوع مؤسسه حسابرسی نقش کاهنده در مدیریت سود ایفا نکرده است.

بررسی سایر متغیرهای کنترلی و اثرگذاری مدل از نظر جامعیت و توان تبیین، متغیرهای دیگری را نیز در بر گرفته است:

• بازده دارایی‌ها (ROA): این متغیر با ضریب ۰.۰۲ و آماره t بسیار بالای ۹.۱۵ با سطح معناداری ۰.۰۰ قوی‌ترین و معنادارترین عامل در مدل است. این نشان می‌دهد که عملکرد مالی شرکت (بازدهی) به شدت با سطح مدیریت سود در ارتباط است.

• اهرم مالی، اندازه شرکت و نسبت ارزش بازار به دفتری: با توجه به سطح معناداری بالای این سه متغیر (۰.۳۷، ۰.۹۴ و ۰.۴۲)، این عوامل در این مدل اثر معناداری بر مدیریت سود ندارند و نقش متغیر کنترلی آن‌ها در تبیین تغییرات مدیریت سود ناچیز است.

• مقدار ثابت (Constant): مقدار ثابت با ضریب ۰.۰۷- و سطح معناداری ۰.۰۱، نشان‌دهنده سطح مدیریت سود در زمانی است که تمامی متغیرهای مستقل برابر با صفر باشند. ارزیابی کیفیت و برازش مدل (Model Fit) برای بررسی اعتبار کلی مدل، شاخص‌های آماری زیر تحلیل می‌شوند:

• نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم پژوهش

جدول ۳. نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم پژوهش

مدل	ضرایب	انحراف استاندارد	آماره t	سطح معنی داری
مقدار ثابت	-۰.۰۶	۰.۰۳	-۲.۷۵	۰.۰۲
تداوم حسابرسی	۰.۰۳	۰.۰۴	۰.۵۸	۰.۰۳
اهرم مالی	۰.۰۵	۰.۰۸	۰.۷۱	۰.۴۷
اندازه شرکت	۰.۰۰	۰.۰۲	۰.۲۷	۰.۷۸
نسبت ارزش بازار به دفتری	-۰.۰۱	۰.۰۲	-۰.۷۴	۰.۴۴
بازده دارایی‌ها	۰.۰۷	۰.۰۳	۹.۲۴	۰.۰۰
ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	آزمون دوربین واتسون	آماره F
۰.۴۲	۰.۱۶	۰.۱۵	۲.۰۳	۱۷.۲۴

(Sig=0.03) کمتر از آستانه خطای ۰.۰۵ است، رابطه بین تداوم حسابرسی و مدیریت سود از نظر آماری معنادار تلقی می‌شود.

• تفسیر جهت رابطه: ضریب مثبت (۰.۰۳) نشان می‌دهد که با افزایش طول دوره تصدی حسابرسی (تداوم حضور حسابرسی

فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه «تداوم حسابرسی تأثیر معناداری بر مدیریت سود دارد»، با توجه به داده‌های جدول، تأیید می‌شود.

• تحلیل آماری: ضریب متغیر تداوم حسابرسی ۰.۰۳ با سطح معناداری ۰.۰۳ گزارش شده است. از آنجایی که سطح معناداری

می‌گردد. همچنین مدل ارائه شده با داشتن آماره F معنادار (۱۷.۲۴) و عدم وجود مشکل خودهمبستگی، از برازش قابل قبولی برخوردار است. در میان متغیرهای کنترل، عملکرد مالی (بازده دارایی‌ها) با بیشترین اثرگذاری، اصلی‌ترین محرک مدیریت سود در شرکت‌های مورد مطالعه شناخته شد.

۸- نتیجه‌گیری

در این پژوهش تجزیه و تحلیل جامعی در خصوص بررسی نقش نظارتی اندازه مؤسسه حسابرسی و تداوم دوره تصدی حسابرس در مهار مدیریت سود و ارتقای کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار در بازه زمانی ۱۳۹۷ الی ۱۴۰۳ صورت پذیرفت.

در خصوص فرضیه اول، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که میان نوع مؤسسه حسابرسی و سطح مدیریت سود رابطه معناداری وجود دارد؛ با این حال، جهت این رابطه با انتظارات نظری اولیه مبنی بر اثر کاهنده مؤسسات بزرگتر بر مدیریت سود در تضاد است. این یافته بیانگر آن است که در بازار سرمایه ایران، ویژگی‌های ظاهری و مقیاس مؤسسه حسابرسی، لزوماً تضمین‌کننده کیفیت برتر گزارشگری مالی نیست. تبیین این نتیجه را می‌توان در ضعف نقش بازدارندگی مؤسسات در مواجهه با فشارهای مدیریتی جستجو کرد؛ جایی که ممکن است فشارهای محیطی یا رقابت برای حفظ سهم بازار، اثربخشی نظارتی مؤسسات را تحت‌الشعاع قرار داده باشد. بنابراین، فرضیه اول مبنی بر اثر کاهنده نوع مؤسسه بر مدیریت سود تأیید نشده است.

در خصوص فرضیه دوم، یافته‌های پژوهش حاکی از وجود رابطه معنادار و مثبت میان تداوم دوره تصدی حسابرس و سطح مدیریت سود است؛ بدین معنا که با افزایش طول دوره همکاری میان حسابرس و واحد تجاری، سطح رفتارهای مدیریت سود در شرکت‌ها افزایش یافته است. این نتیجه که فرضیه دوم را تأیید می‌کند، در چارچوب نظری «تهدید آشنایی» قابل تبیین است. استمرار طولانی مدت رابطه حسابرس و صاحبکار، احتمالاً منجر به تقلیل تردید حرفه‌ای و کاهش سخت‌گیری‌های نظارتی شده و فضای مساعدتری برای انجام مدیریت سود فراهم آورده است. این موضوع نشان می‌دهد که تداوم تصدی در محیط کنونی، به جای افزایش شناخت حسابرس از ابعاد تخصصی واحد تجاری، عملاً به ابزاری برای کاهش استقلال عملیاتی تبدیل شده است.

در شرکت، سطح مدیریت سود به صورت معناداری افزایش می‌یابد. این یافته در ادبیات حسابداری می‌تواند به پدیده «آشنایی بیش از حد» (Familiarity Threat) اشاره داشته باشد؛ یعنی با طولانی شدن دوره تصدی، ممکن است استقلال و سخت‌گیری حسابرس در قبال مدیریت سود کاهش یابد، که نتیجه آن افزایش انعطاف‌پذیری مدیریت در گزارشگری مالی است.

تحلیل متغیرهای کنترلی

بازده دارایی‌ها (ROA): با ضریب ۰.۰۷، آماره t برابر با ۹.۲۴ و سطح معناداری ۰.۰۰۰، همچنان مهم‌ترین متغیر اثرگذار در مدل است. این نشان می‌دهد که سودآوری شرکت یکی از محرک‌های اصلی برای مدیریت سود در این مدل است.

سایر متغیرها: متغیرهای «اهرم مالی»، «اندازه شرکت» و «نسبت ارزش بازار به دفتری» با سطوح معناداری به ترتیب ۰.۴۷، ۰.۷۸ و ۰.۴۴ همگی فاقد تأثیر معنادار بر مدیریت سود در این مدل خاص هستند. این یعنی کنترل‌های انجام شده در این متغیرها، قدرت توضیح‌دهندگی مستقلی در رابطه با مدیریت سود نشان نداده‌اند.

ارزیابی اعتبار و برازش کلی مدل

ضریب تعیین (R2): مقدار ۰.۱۶ بیانگر آن است که ۱۶ درصد از تغییرات مدیریت سود توسط متغیرهای مدل حاضر تبیین می‌شود.

آزمون دوربین و واتسون: مقدار ۲.۰۳ نشان‌دهنده عدم وجود خودهمبستگی در باقی‌مانده‌های مدل است. این یعنی مدل از نظر فرض استقلال خطاها در وضعیت مناسبی قرار دارد.

آماره F: مقدار ۱۷.۲۴ با سطح معناداری ۰.۰۰۰، کلیت مدل را از نظر آماری بسیار معنادار تأیید می‌کند؛ به این معنا که مدل در مجموع، برازش مناسبی برای جامعه آماری مورد بررسی دارد.

یافته‌های پژوهش در آزمون فرضیه دوم، رابطه معنادار بین تداوم حسابرسی و مدیریت سود را تأیید کرد (Sig=0.03). جهت مثبت ضریب نشان می‌دهد که طولانی شدن دوره تصدی حسابرس، با افزایش سطح مدیریت سود همراه است که احتمالاً به کاهش تردید حرفه‌ای حسابرس به دلیل تداوم همکاری باز

پیشنهادهای حاصل از یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها و یافته‌های مربوط به عدم تأثیر کاهنده «نوع مؤسسه حسابرسی» و همچنین اثر «تهدید آشنایی» ناشی از «تداوم حسابرسی»، موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

- بازنگری در سیاست‌های چرخش حسابرسی: با توجه به تأثیر مثبت تداوم تصدی حسابرسی بر مدیریت سود، به نهادهای ناظر بازار سرمایه پیشنهاد می‌شود ضمن پافشاری بر اجرای دقیق قوانین چرخش مؤسسات حسابرسی، دوره‌های زمانی چرخش را متناسب با ویژگی‌های صنعت و اندازه شرکت‌ها بازبینی کنند تا از بروز «تهدید آشنایی» و کاهش استقلال حسابرسی جلوگیری شود.
- ارتقای سازوکارهای نظارتی فراتر از انتخاب مؤسسه حسابرسی: نتایج نشان داد که نوع مؤسسه حسابرسی لزوماً تضمین‌کننده کاهش مدیریت سود نیست. بنابراین، به کمیته‌های حسابرسی شرکت‌ها پیشنهاد می‌شود که تمرکز خود را از «شهرت یا اندازه مؤسسه حسابرسی» به سمت «تنوع‌بخشی به خدمات حسابرسی» و «سخت‌گیری در استانداردهای کنترل کیفیت داخلی» سوق دهند.
- توجه ویژه به عملکرد مالی به عنوان محرک مدیریت سود: با توجه به اینکه «بازده دارایی‌ها» مهم‌ترین عامل مرتبط با مدیریت سود در این پژوهش شناخته شد، به تحلیل‌گران مالی و سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود که در زمان ارزیابی صورت‌های مالی، به شرکت‌هایی با نوسانات شدید در بازده دارایی‌ها با دیدی محتاطانه‌تر نگرسته و احتمال استفاده مدیریت از ابزارهای حسابداری برای تعدیل سود را مدنظر قرار دهند.
- تقویت نقش کمیته حسابرسی و حاکمیت شرکتی: با عنایت به اینکه سازوکارهای معمول (نظیر انتخاب نوع خاصی از حسابرسی) تأثیر بازدارندگی کافی را در مدل نشان ندادند، پیشنهاد می‌شود بر افزایش استقلال و تخصص اعضای کمیته حسابرسی تأکید بیشتری شود تا از طریق نظارت مستمر بر مدیریت سود، کیفیت محیط اطلاعاتی شرکت‌ها ارتقا یابد.

پیشنهادهای پژوهشی (برای محققان آینده)

برای توسعه این پژوهش و رفع محدودیت‌های احتمالی در مطالعات آتی، موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

- بررسی سایر مدل‌های اندازه‌گیری مدیریت سود: پیشنهاد می‌شود محققان آتی در کنار مدل‌های سنتی، از مدل‌های مبتنی بر یادگیری ماشین یا مدل‌های تعدیل‌شده مدیریت سود (مانند مدل‌های مبتنی بر اقلام تعهدی اختیاری پیشرفته‌تر) استفاده کنند تا قدرت تبیین مدل افزایش یابد.
- مطالعه تأثیر متغیرهای کیفی حسابرسی: پیشنهاد می‌شود در مطالعات آینده به جای استفاده از متغیرهای «نوع مؤسسه» و «تداوم حسابرسی» به عنوان متغیرهای صرفاً کمی، از شاخص‌های کیفی مانند «میزان حق‌الزحمه حسابرسی»، «استقلال اعضای کمیته حسابرسی» و «تخصص صنعت حسابرسی» استفاده شود.
- گسترش دامنه زمانی و محیطی: پیشنهاد می‌شود این مدل در بازه‌های زمانی طولانی‌تر و در صنایع مختلف به‌صورت تفکیک‌شده (صنایع پرخطر در مقابل صنایع کم‌خطر) اجرا شود تا تأثیر عوامل محیطی بر مدیریت سود با دقت بیشتری تحلیل گردد.
- تحلیل روابط چندسطحی: با توجه به پیشنهادها، مطرح شده در پژوهش، پیشنهاد می‌شود در مطالعات بعدی از «مدل‌های ساختاری چندسطحی» (Multi-level Modeling) استفاده شود تا تفاوت‌های عملکردی بین شرکت‌ها (سطح خرد) و صنایع (سطح کلان) به‌طور هم‌زمان تحلیل شود.

منابع

- Kaluwila, M. and Mpundu, M. (2026) Audit Quality and Earnings Management: Empirical Evidence on the Role of Auditor Characteristics and Regulatory Oversight. *Open Journal of Accounting*, 15, 185-196. doi: 10.4236/ojacct.2026.152007.
- Hazem Ramadan Ismael, Ahmed Hassan Ahmed, Mohammad Alhadab, Yasean A(2026). Tahat. Earnings management and board member tenure, affiliations and re-election term duration: evidence from the UK. *Corporate Governance*. Volume 26, Issue 2, 10 February 2026, Pages 407-437
- Nemiraja Jadiyappa, L.Emily Hickman, SantoshKumar Shrivastav, Hanish Rajpal, Navneet Kaur(2024) Bank-affiliated directors' monitoring, earnings management, and financial reporting quality in emerging markets: Evidence from India. *Emerging Markets Review* Volume 62, September 2024, 101184.
- Nemiraja Jadiyappa, L. Emily Hickman, Ram Kumar Kakani, Qambar Abidi (2021) Auditor tenure and audit quality: an investigation of moderating factors prior to the commencement of mandatory rotations in India. *Managerial Auditing Journal*. Volume 36, Issue 5, 3 August 2021, Pages 724-743
- Shahmoradi, N. and Tabatabaieinasab, Z. (2021). The effect of Audit Quality on the Relationship between Economic Uncertainty and Accrual Based Earnings Management in Listed Companies in Tehran Stock Exchange. *Financial Accounting Research*, 13(1), 67-86. doi: 10.22108/far.2021.125552.1683.
- Wang, H., & Zhang, S. (2024). The auditor-client relationship in emerging markets: Evidence from recent structural shifts. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*
- بنی مهد، بهمن؛ حساس یگانه، یحیی؛ یزدانیان، نرگس، (۱۳۹۳)، «مدیریت سود و اظهارنظر حسابرس» شواهدی از بخش خصوصی حسابرسی»، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، سال هفتم، شماره ۲۱.
- حقدادی، محمد رضا، گرکز، منصور و معطوفی، علیرضا. (۱۴۰۳). رابطه بین دوره تصدی شریک مؤسسه حسابرسی و کیفیت حسابرسی: بررسی نقش تعدیلی تغییر مؤسسه حسابرسی. بررسی های حسابداری و حسابرسی doi: 668-696. 31(4), 10.22059/acctgrev.2024.368036.1008879
- خانی زاده، فرهاد، ۱۴۰۱، بررسی ارتباط بین دوره تصدی حسابرس و حق الزحمه خدمات غیرحسابرسی با کیفیت حسابرسی در شرکتهای نهمین کنفرانس بین المللی مدیریت، حسابداری و توسعه اقتصادی، <https://civilica.com/doc/1563656>
- رشیدی، علی، ۱۴۰۵، تحلیلی بر اثرگذاری تداوم تصدی حسابرس بر کیفیت حسابرسی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، ۲۴th National Conference on Management Research and Humanities in <https://civilica.com/doc/2646190.Tehran.Iran>
- قلی پور، مهدی، جعفرپور، هومن و صارمی نیامهسا. (۱۴۰۰). ارتباط کیفیت حسابرسی و مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت. 10(40), 379-390.
- مافی، نگین و خدابنده، آذر، ۱۴۰۳، بررسی رابطه بین دوره تصدی حسابرس و کیفیت حسابرسی با در نظر گرفتن نقش مدیرارشد مالی (CFO) در شرکت های بورس اوراق بهادار تهران، دهمین همایش بین المللی مدیریت حسابداری <https://civilica.com/doc/2096652>، همدان، ۱۳۰۳.
- وحیدی فر پ. (۱۴۰۳). بررسی رابطه کیفیت حسابرسی با مدیریت سود در دوره رشد شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. نشریه علمی رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری- 1240، 8(28), Retrieved 1251. <https://majournal.ir/index.php/ma/article/view/2360>
- Francis, J. R. (2024). Audit quality and auditor tenure: New evidence and implications. *Review of Accounting Studies*
- Healy, P. M., & Wahlen, J. M. (2023). Earnings management and information quality: A contemporary perspective. *Accounting Horizons*



Accounting Knowledge & Management Auditing

Vol. 17/ No. 66/ Summer 2027

Supervisory Challenges in Capital Markets: Investigating the Supervisory Role of Audit Firm Size and Auditor Tenure in Controlling Earnings Management and Improving the Quality of Financial Reporting

Mostafa Khadem-Al-Hosseini

Department of Accounting, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

(Corresponding Author)

mostafakhademalhoseini@iaui.ac.ir

Ali Baghani

Department of Accounting, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

A_baghani@iaui.ac.ir

Asgar Askari

Department of Accounting, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

4929304301@iaui.ac.ir

Abstract

Improving the quality of financial reporting and controlling earnings management are among the main concerns of stakeholders and supervisory institutions in capital markets. The present study aims to investigate the role of auditor characteristics on financial reporting behaviors by analyzing the effect of "type of audit firm" and "auditor tenure" on earnings management in companies listed on the Tehran Stock Exchange during the period 2018-2024. The statistical sample is 162 companies based on the screening criteria. This research is an applied research based on the nature and objectives of the research. The data related to the research variables were analyzed after collection in Excel software using Eviews statistical software version 10. Then, to test the hypotheses, linear regression was used. The research method is applied in terms of purpose and descriptive-correlation in terms of nature. The required data were collected from the financial statements of the companies and tested using the multivariate regression method. The research findings show that there is a significant but positive relationship between the "type of audit firm" and "continuity of auditor tenure" with the level of earnings management; so that, contrary to initial expectations, audit firms in the sample under study have not been able to play an effective deterrent role in reducing earnings management. Also, the lengthening of the auditor's tenure, relying on the theoretical explanation of "familiarity threat", is associated with increased earnings management, which confirms the reduction of professional skepticism and the reduction in supervisory rigor in long-term auditor-client relationships. Among the control variables, return on assets was identified as the strongest driver of earnings management, while financial leverage, firm size, and market-to-book ratio did not have a significant effect on the dependent variable. Finally, the results of this study indicate the need for policymakers and regulatory agencies to review control mechanisms and auditing standards, because the quality of financial reporting is not simply a function of superficial criteria (such as the type of institution), but is also affected by the dynamics of the relationship between the auditor and the client and the performance incentives of managers.

Keywords: Profit, Earnings Management, Type of Audit Firm, Continuity of Auditor Tenure

